

بسم الله الرحمن الرحيم

حشر در آیات و روایات

فرگس میرزایی

چکیده:

معاد و حشر به عنوان علل غایی آفرینش یکی از مسائل مهم عقیدتی در دین اسلام است و قرآن کریم ارزش ویژه‌ای برای آن قائل شده، به طوری که بیش از 1500 آیه از آیات قرآن کریم به این موضوع پرداخته است که نشان از اهمیت بحث و توجه ویژه به آن دارد، از این رو این پژوهش درصدد بررسی مفصل موضوع حشر در آیات و روایات است. در این مقاله ضمن تبیین مفهوم حشر، به اثبات این حقیقت از منظر عقل و نقل پرداخته شده و کیفیت، مکان و زمان حشر مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین، به شبهات رایج در خصوص حشر مانند حشر روحانی و جسمانی، آکل و ماکول، اعاده معدوم و تناسخ پاسخ داده شده و با ارائه دلایل، بطلان این شبهات اثبات شده است. در بخش پایانی مقاله نیز، به موضوع حشر حیوانات و وجه تمایز و اشتراک حشر انسان و حیوان پرداخته شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند برای عموم علاقه‌مندان به معارف اسلامی و پژوهشگران این حوزه، مفید و راهگشا باشد و همچنین عموم جامعه را نسبت به سرانجام اعمال خود آگاه کرده و سبب تقویت ایمان و انگیزه در جهت انجام اعمال صالح شود.

کلیدواژه‌ها: حشر، آیات قرآن، روایات، معاد، شبهات، انسان، حیوان

مقدمه:

آدمی آنگاه که بهره‌ای از رشد عقلانی می‌یابد و مواردی از مرگ را در میان اطرافیان خویش تجربه می‌کند متوجه می‌شود که سکونتش در دنیا ابدی نیست و دیر یا زود باید جایگاه دنیوی خویش را ترک کرده و با مرگ هم آغوش شود در اینجاست که خود را با پرسش‌های اساسی روبرو می‌بیند که آیا مرگ پایان زندگی انسان است یا

انتقال از جهانی به جهان دیگر؟ و اینکه انسان‌ها به چه صورت محسوس می‌شوند؟ این امر چگونه و در چه زمانی رخ خواهد داد؟ و آیا امکان دارد که پس از مرگ بار دیگر به عالم طبیعت بازگردیم و در کالبد دیگر به حیات خویش ادامه دهیم؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش مشابه دیگر از دیرباز ذهن انسان را به خود مشغول کرده است و کمتر کسی را می‌توان یافت که در طول عمر خویش به مسئله مرگ و حشر نیندیشیده باشد.

بنابراین پرداختن به مساله حشر بر اساس آیات و روایات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا این مفهوم نه تنها به عنوان یکی از ارکان اعتقادی دین اسلام شناخته می‌شود بلکه تاثیر عمیقی بر رفتار و نگرش انسان‌ها نسبت به زندگی و آخرت دارد از جمله دلایل مهم برای بررسی این موضوع می‌توان به تقویت ایمان، آگاهی از عواقب اعمال، پاسخ به شبهات پیرامون این موضوع و ترویج اخلاق و رفتار نیکو اشاره کرد؛ با توجه به این دلایل مسئله حشر نه تنها یک موضوع علمی و دینی است بلکه به عنوان یک ضرورت اجتماعی و اخلاقی نیز مطرح می‌شود.

در این مقاله که از روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است پیشینه موضوع سابقه دیرینه‌ای دارد چرا که از آفرینش اولین انسان تا زمان ما در بین خلائق به نحوی ایمان به حشر وجود داشته است و صدها آیه از قرآن کریم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله معاد پرداخته است و همچنین روایات زیادی در این باره بیان شده است که نشان از توجه ویژه دین اسلام به مباحث معادشناسی دارد، علاوه بر آیات و روایات در متون اسلامی نیز کتاب‌هایی منتشر شده است از جمله معادشناسی علامه تهرانی، حیات اخروی شهید مطهری، انسان از آغاز تا فرجام علامه طباطبائی، آموزش عقاید محمدتقی مصباح یزدی و ... در کتب مذکور صاحبان اثر موضوع حشر را به صورت گسترده و از تمامی جوانب مورد بررسی قرار دادند اما آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد پاسخ به شبهات و سوالات رایج پیرامون این موضوع و همچنین بررسی حشر حیوانات و وجه تمایز آن با حشر انسان است.

مفهوم شناسی

حشر:

کلمه و لفظ حشر در موارد و آیات متعددی در قرآن کریم استعمال شده است که برای روشن شدن مفهوم آن باید به موارد استعمال در قرآن رجوع کنیم. صاحب قاموس مثال های قرآنی زیر را درباره این واژه می‌آورد: حشر به معنای جمع کردن است. «ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ» (ق، 44) آن جمع کردنی است که بر ما آسان است» در مجمع ذیل آیه 202 از سوره بقره گفته: حشر گرد آوردن قوم است به یک مکان... اصل باب از جمع شدن است. همچنین راغب آن را اخراج معنی کرده و می‌گوید حشر بیرون کردن جماعت از مقرّ آنهاست بجنگ و نحو آن. ولی قول مجمع البیان با آیات قرآن بهتر می‌سازد و اگر اخراج معنی شود برای آن است که اخراج توأم با جمع کردن است.

(بحرانی، البرهان فی التفسیر القرآن، ج 4، ص 201). در ادامه به بیان برخی موارد استعمال حشر در قرآن می‌پردازیم تا بیان مفسرین درباره مفهوم حشر بیشتر روشن شود؛

خداوند متعال می‌فرماید:

- «قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» (شعرا، 36) گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده را به شهرها روانه کن»
- «وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ» (ص، 19) و پرندگان را [نیز] به طور دسته جمعی مسخر و رام کردیم که با او تسبیح می‌گفتند»
- «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر، 5) و هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور شوند.»
- «لَأَوَّلُ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا» (حشر، 2) در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند.»
- «وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل، 17) و برای سلیمان، سپاهیانش از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند، [او آنان را از حرکت باز می‌داشتند] تا گروه‌های دیگر به آنان ملحق شوند؛»

و در صف قیامت گویند: «وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ» (احقاف، 6) و هنگامی که مردم را [در قیامت] گرد آورند [معبودانشان] با آنان دشمن باشند.»

«فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (نساء، 172) [برای حسابرسی] به سوی خود گردآوری خواهد کرد.»

طبق آیات مذکور در روایات و آیات قیامت نیز - یوم الحشر و یوم البعث - نامیده شده است.

راغب در مفردات درباره گوهر معنایی واژه حشر می‌گوید که این واژه جز درباره جماعت و گروه به کار نمی‌رود و در همه موارد استفاده از خروج بدون اختیار فهمیده می‌شود.

لذا به طور کلی می‌توان گفت مفهوم حشر در قرآن جمع کردن در روز قیامت است که نتیجه می‌گیریم همان معنای لغوی حشر است که بدون تغییر در قرآن به کار رفته است. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، 1372، ج 10، ص 186)

اثبات حشر

دلایل عقلی:

گذشته از دلائل نقلی فراوانی که برای معاد در قرآن مجید آمده است و شامل صدها آیه در این زمینه می‌شود دلائل عقلی روشنی نیز بر این امر وجود دارد که به طور فشرده در اینجا قسمتی از آن‌ها یادآوری می‌شود:

1- برهان حکمت:

اگر زندگی این جهان را بدون جهان دیگر در نظر بگیریم پوچ و بی‌معنی خواهد بود، درست به این می‌ماند که زندگی دوران جنینی را بدون زندگی این دنیا فرض کنیم.

اگر قانون خلقت این بود که تمام جنین‌ها در لحظه تولد خفه می‌شدند و می‌مردند چقدر دوران جنینی بی‌مفهوم جلوه می‌کرد.

این آسمان گسترده این زمین پهناور و این همه مقدمات و مؤخرات و این ریزه‌کاری‌هایی که در آفرینش ما و سایر موجودات به کار رفته، همه برای زندگی مادی نیست. شما هر قسمتی از عالم آفرینش را که خوب بنگرید یک هدف عالی را دنبال می‌کند و هدفمندی، نظم و سامان آن‌ها نشان از خالق حکیم آن‌هاست، امکان ندارد چنین خلقت پر معنا و مفهوم و حکمتی، بدون نتیجه رها شود. بنابراین هیچ کشاورز و مخترع و مبتکر و تولیدگری؛ محصول خود را هنگام به ثمر نشستن و فایده دادن رها نمی‌کند و زحمات زیاد خود را اینگونه به باد فنا نمی‌دهد. ممکن نیست کسی به خداوند و حکمت بی‌پایان او ایمان داشته باشد و زندگی این جهان را بی‌آنکه مقدمه‌ای برای زندگی جاویدان جهان دیگر باشد قابل توجه بشمرد.

قرآن مجید می‌گوید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون، 115) آیا گمان کردید بیهوده آفریده شده‌اید و به سوی ما باز نمی‌گردید؟

آری در صورتی زندگی این دنیا مفهوم و معنی پیدا خواهد کرد و با حکمت خداوندی سازگار خواهد شد که این جهان را مزرعه‌ای برای جهان دیگر (الدنيا مزرعة الآخرة) و گذرگاهی برای آن عالم وسیع (الدنيا قنطرة) دانسته شود،

کوتاه سخن اینکه مطالعه و بررسی وضع این جهان به خوبی گواهی می‌دهد بر اینکه عالم دیگری پشت سر آن است.

2- برهان عدالت:

بررسی دقیق ساختار هستی و قوانین حاکم بر آن، ما را به این نتیجه می‌رساند که جهان آفرینش بر پایه نظم و دقیق و حساب شده استوار شده است، بدن انسان نیز به عنوان بخشی از این جهان، از نظامی پیچیده و هماهنگ برخوردار است که کوچکترین اختلال در آن می‌تواند به بیماری یا مرگ منجر شود.

در کنار این نظم دقیق، خداوند به انسان آزادی اراده و اختیار بخشیده است تا او بتواند مسیر تکامل خود را انتخاب کند. این آزادی، هم فرصتی برای رشد و کمال و هم خطری برای انحراف و سقوط است. تاریخ بشر مملو

از مثال‌هایی است که نشان می‌دهد انسان‌ها چگونه از این آزادی الهی سوءاستفاده کرده و به راه‌های انحرافی کشیده شده‌اند و خداوند با عدل خود به آن‌ها پاسخ داده و می‌دهد.

درست است که برخی از مجرمان در همین دنیا مجازات می‌شوند، اما این به معنای مجازات همه مجرمان نیست. به عبارت دیگر، چنان نیست که همه مجرمان، همه کیفر خود را ببینند، و همه پاکان و نیکان به پاداش اعمال خود در این جهان برسند، همه انسان‌ها در میزان اطاعت از دستورات الهی با هم برابر نیستند و به همین دلیل پاداش و کیفر اعمال آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین ممکن نیست این دو گروه در کفه عدالت پروردگار یکسان باشند به گفته قرآن مجید: «أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؟» (ص، 28) آیا ممکن است پرهیزگاران را همچون فاجران قرار دهیم؟

به هر حال تفاوت انسان‌ها در اطاعت فرمان حق جای تردید نیست همانگونه که عدم کفایت دادگاه «مکافات این جهان» و «محکمه وجدان» و «عکس‌العمل‌های گناهان» برای برقراری عدالت نیز به تنهایی کافی به نظر نمی‌رسد، بنابراین باید پذیرفت که اعتقاد به عدل الهی مستلزم اعتقاد به معاد و رستاخیز است تا حق هر کسی اعم از مؤمن و کافر و فاسق و عامل و عالم و جاهل و... به اندازه‌ای که شایسته اوست داده شود، در مثال معروف صدام با یک بار اعدام به جزایش نمی‌رسد و شهید حاج قاسم سلیمانی با یک بزرگداشت و چند سلام و تبریک جبران زحماتش در دنیا تدارک نمی‌گردد، پس معادی باید باشد تا حق هر کس به خوبی داده شود. قرآن مجید می‌فرماید: «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس، 54) در روز قیامت در میان آن‌ها به عدالت حکم می‌شود و ظلم و ستمی بر آن‌ها نخواهد شد.

3- برهان هدف:

بر خلاف پندار مادیین، در جهان‌بینی الهی، برای آفرینش انسان هدفی بوده است که در تعبیرات فلسفی از آن به «تکامل» و در لسان قرآن و حدیث گاهی از آن به «قرب به خدا» و یا «عبادت و بندگی» تعبیر شده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، 56) من جن و انس را نیافریدم مگر به این منظور که مرا پرستش کنند»

بدون شک اگر مرگ پایان همه چیز باشد این هدف بزرگ تأمین نمی‌گردد.

باید جهانی بعد از این جهان باشد و خط تکامل انسان در آن ادامه یابد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 18، ص 479) خلاصه اینکه تأمین هدف آفرینش بدون پذیرش معاد ممکن نیست، و اگر ارتباط این زندگی را از جهان پس از مرگ قطع کنیم همه چیز شکل معما به خود می‌گیرد و پاسخی برای چراها نخواهیم داشت. (ملا مهدی نراقی، انیس الموحدين، 1369، ص 231)

حق تعالی فرموده است که: «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» (تکویر، 5) هرگاه وحوش محشور شوند»

مشهور میان مفسران آن است که مراد از حشر در این آیه محشور شدن در قیامت است و بعضی گفته‌اند مراد مردن ایشان است در دنیا و مشهور میان متکلمین خاصه و عامه آن است که ایشان محشور می‌شوند.

در روایات اسلامی نیز احادیث متعددی در زمینه رستاخیز حیوانات دیده می‌شود، از جمله: از ابوذر نقل شده که می‌گوید: ما خدمت پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) بودیم که در پیش روی ما دو بز به یکدیگر شاخ زدند، پیغمبر (صل الله علیه و آله و سلم) فرمود، می‌دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه، پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) فرمود ولی خدا می‌داند چرا؟ و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 5، ص 225)

فلسفه رستاخیز حیوانات و تکالیف آنها:

بدون شک اولین شرط حساب و جزا، عقل و شعور و به دنبال آن تکلیف و مسئولیت است. طرفداران این عقیده می‌گویند مدارکی در دست است که نشان می‌دهد حیوانات نیز به اندازه خود دارای درک و فهمند، از جمله:

زندگی بسیاری از حیوانات آمیخته با نظام جالب و شگفت‌انگیزی است، برای مثال توجه به زندگی مورچگان و زنبور عسل و تمدن عجیب آنها و نظام شگفت‌انگیز در ساخت لانه و کندو نشان دهنده درک و شعور تحسین برانگیز آنهاست هرچند بعضی این مسئله را نوعی الهام غریزی می‌دانند.

اما هیچ دلیلی بر این موضوع در دست نیست که اعمال آنها به صورت ناآگاه (غریزه بدون عقل) انجام می‌شود. علاقه‌ای که بسیاری از حیوانات تدریجاً به صاحب خود پیدا می‌کنند شاهد دیگری برای این موضوع است، و مسلم است آنها را به آسانی نمی‌توان ناشی از غریزه دانست، زیرا غریزه معمولاً سرچشمه کارهای یکنواخت و مستمر است، اما اعمالی که در شرایط خاصی که قابل پیش‌بینی نبوده به عنوان عکس العمل انجام می‌گردد به فهم و شعور شبیه‌تر است تا به غریزه.

از همه اینها گذشته، در آیات متعددی از قرآن، مطالبی دیده می‌شود که دلیل قابل ملاحظه‌ای برای فهم و شعور بعضی از حیوانات محسوب می‌شود، داستان فرار کردن مورچگان از برابر لشکر سلیمان، و داستان آمدن هدهد به منطقه "سبا و یمن" و آوردن خبرهای هیجان‌انگیز برای سلیمان شاهد این مدعا است.

در کتاب مجمع البیان در تفسیر «وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» آمده: «آن گاه که حیوانات وحشی جمع می‌شوند تا قصاص بعضی که بر دیگری شاخی زده و یا صدمه‌ای وارد نموده گرفته شود و خداوند سبحان وحوش و حیوانات را در آخرت محشور کند تا اینکه به آنچه استحقاق دارند از عوض بر دردهایی که در دنیا به آنها رسیده برسند و داد بعضی از برخی دیگر گرفته شود پس در آن وقت به آنها خواهد رسید آنچه از عوض‌ها استحقاق دارند.» (فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد 26، ص 327)

بنابراین قابل قبول است که حیوانات تکالیفی دارند با اینکه یکی از شرایط مسلّم تکلیف عقل است و به همین جهت کودک و یا شخص دیوانه از دایره تکلیف بیرون است.

اما باید گفت تکلیف مراحلی دارد و هر مرحله ادراک و عقلی متناسب خود را می‌خواهد، تکالیف فراوانی که در قوانین اسلامی برای یک انسان وجود دارد به قدری است که بدون داشتن یک سطح عالی از عقل و درک انجام آن‌ها ممکن نیست اما مرحله ساده و پایین‌تری از تکلیف تصور می‌شود که مختصر فهم و شعور برای آن کافی است، ما نمی‌توانیم چنان فهم و شعور و چنان تکالیفی را بطور کلی درباره حیوانات انکار کنیم.

با توجه به تفاوت مراتب تکلیف، و تفاوت مراتب عقل اشکال بالا در مورد حیوانات نیز حل می‌شود.

وجه تمایز و اشتراک حشر انسان و حیوان

وجه اشتراکی که بین انسان و حیوانات دیگر وجود دارد و موجب تشابه انسان و حیوانات دیگر در مسأله "حشر" و بازگشت به خدا می‌باشد، داشتن شعور است.

با دقت در زندگی حیوانات اطرافمان و مشاهده رفتارهای متنوع آن‌ها در شرایط مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که حیوانات نیز مانند انسان‌ها، دارای عقاید و باورهای شخصی و اجتماعی هستند. هر حرکت و عملی که آن‌ها برای بقا و ادامه حیات انجام می‌دهند، بر پایه همین عقاید استوار است.

به عنوان مثال، انسان‌ها در طول زندگی خود، بر اساس مجموعه‌ای از باورها و عقاید، تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. زمانی که احساس گرسنگی یا نیاز به تشکیل خانواده می‌کنیم، بلافاصله به دنبال ارضای این نیازها برمی‌آییم. به همین ترتیب، حیوانات نیز برای تأمین نیازهای خود مانند غذا، جفت‌گیری و ساخت لانه، اقداماتی انجام می‌دهند که نشان از وجود تفکر و تصمیم‌گیری در آن‌ها دارد.

مشاهده این رفتارها در حیوانات، ما را به این باور می‌رساند که آن‌ها نیز مانند انسان‌ها، دارای شعور و درکی از محیط اطراف خود هستند. این شعور به آن‌ها کمک می‌کند تا نیازهای خود را تشخیص دهند و برای برآوردن آن‌ها، راهکارهایی بیابند. به عبارت دیگر، حیوانات نیز مانند انسان‌ها، به دنبال کسب منافع و اجتناب از زیان هستند.

وقتی انسان رفتار حیوانات را مشاهده می‌کند و می‌بیند که هر حیوانی، با وجود تفاوت‌هایش، اعمال خود را بر اساس نوعی باور و اندیشه انجام می‌دهد، این پرسش در ذهنش شکل می‌گیرد که آیا حیوانات هم مانند انسان‌ها، قواعدی برای خوب و بد دارند؟ به عبارت دیگر، آیا حیوانات هم قادر به تشخیص درست از نادرست هستند؟ اگر چنین باشد، پس باید مفهوم عدالت و ظلم را نیز درک کنند چرا که اگر حیوانات فاقد چنین درکی بودند، همه آن‌ها باید رفتاری یکسان داشتند اما مشاهده می‌کنیم که حتی در میان یک گونه، مثلاً اسب‌ها، رفتارها بسیار

متفاوت است. برخی آرام و برخی تندخو هستند، این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که حیوانات نیز مانند انسان‌ها به نوعی قواعد و ارزش‌ها پایبند هستند.

پس حیوانات مانند انسان حشری دارند. اعمال آن‌ها هم به حساب درآمده و در میزانی سنجیده شده آن گاه بر حسب تکالیفی که در دنیا داشتند با دخول در بهشت پاداش یا با ورود در آتش کیفر می‌بینند. (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 7، ص 104)

نتیجه:

مسئله حشر و معاد یکی از مسائل مهم و ارکان دین مبین اسلام است و اعتقاد به آن از اهمیت ویژه برخوردار است چرا که در برخی از آیات پس از ایمان به خدا، ایمان به معاد مطرح شده است و با توجه به آیات و روایات مشخص می‌شود که حشر انسان‌ها با توجه به اعمال آنها متفاوت است و در ارتباط با زمان و مکان حشر باید گفت که در روز قیامت و در مکانی به نام صحرای محشر اتفاق خواهد افتاد اما در ارتباط با موضوع حشر شبهاتی نیز مطرح شده است از جمله:

- معاد جسمانی و روحانی که با توجه به دو بعدی بودن وجود انسان و هدف نهایی از آفرینش او که سعادت روحی و جسمی است مشخص می‌شود که از بین دیدگاه‌های مختلفی که در این باره وجود دارد دیدگاه سوم یعنی معاد روحانی - جسمانی قابل پذیرش است.

- آکل و مأكول که از آنجایی که بدن انسان از اجزای اصلی و غیر اصلی تشکیل شده و همچنین با تاکید بر این نکته که درک کننده حقیقی لذت‌ها و آلام روح انسان است نه جسم او این شبهه نیز پاسخ داده می‌شود.

- تناسخ که این امر علاوه بر آیات قرآن در روایات نیز صراحتاً رد و باطل اعلام شده است و از نظر عقلی نیز با توجه به محال بودن اجتماع دو نفس در یک بدن این مسئله قابل پذیرش نیست.

و اما نکته دیگری که در ارتباط با حشر وجود دارد مسئله حشر حیوانات است که آنها نیز مانند انسان‌ها با توجه به میزان درک و شعور خود در قیامت محسوس خواهند شد و اعمالشان در میزانی سنجیده می‌شود و با توجه به آن پاداش یا کیفر می‌بینند.

منابع:

* قرآن کریم

- 1- نهج البلاغه
- 2- انجيل متى
- 3- انجيل يوحنا باب 5
- 4- هاشم بن سليمان، بحرانی، البرهان فی التفسیر القرآن، ج 4، نشر مؤسسه البعثه، قم.
- 5- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد 10، ناصر خسرو - ایران - تهران، چاپ: 3، 1372 ه.ش.
- 6- محمد باقر، شریعتی سبزواری، معاد در نگاه وحی و فلسفه، تهران 1363.
- 7- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 18.
- 8- ملا مهدی نراقی، أنیس الموحدين - تهران، چاپ: دوم، 1369 ش.
- 9- سبّاعی، ابراهیم، سفر فی عالم البعث الی یوم الحشر، بیروت، دارالمحجّه البیضاء، چاپ اول، 1423 هـ.
- 10- عمر سلیمان الاشقر، الیوم الآخر، القیامه الکبری، اردن، دارالنفاس، چاپ نهم، 1421، ص 65، به نقل از صحیح بخاری و مسلم.
- 11- علی، محمدی، شرح کشف المراد، قم، چاپ چهارم، 1378 ش.
- 12- صدرالدین شیرازی، شواهد الربوبیه، ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران 1382 ش.
- 13- محقق سبزواری، أسرار الحكم - قم، چاپ: اول، انتشارات مطبوعات دینی، 1383 ش. ج 1.
- 14- محمد حسین، حسینی تهرانی، معاد شناسی، ج 6، انتشارات نور ملکوت قرآن، مشهد، چاپ اول، 1423 ق.
- 15- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج 8، چ 1، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، قم، 1404 ق.
- 16- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 5.
- 17- محمدحسین، طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 7، همان.
- 18- سعیدی مهر، محمد، آموزش کلام اسلامی، ج دوم.
- 19- علی محمدی، شرح کشف المراد - قم، چاپ: چهارم، 1378 ش.
- 20- علی، علم الهدی، معاد و عدل، دفتر انتشارات اسلامی، حوزه علمیه قم، 1372 ش.
- 21- طوسی، نصیرالدین، تجرید الاعتقاد، شرح علامه حلی، انتشارات شکوری، ۱۳۷۳ ش.
- 22- ترجمه تفسیر مجمع البیان طبرسی، فضل بن حسن، جلد 26.
- 23- مکارم شیرازی، ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، انتشارات سرور، قم، 1393.
- 24- فلسفی، محمدتقی، معاد از نظر روح و جسم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1384، چاپ چهارم، جلد اول.

- 25- حر عاملی، 1412 ق، 28: 341
- 26- حلی، 1413 ق: 191